

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

آذرخش

۰۸ جون ۲۰۱۲



میرا بزم بر ساحل که آنجا
نوی زندگی نرخیز است
بدریا غلت و با موجش در آویز
حیات جاودان اندر سیز است

آذرخش
نشریه مستقل ملی و دموکراتیک
نشر افکار انقلابی-سیاسی-اجتماعی
aazarakhsh.afg@gmail.com

AAZARAKHSH
آدرس مکاتبه:
Case postale 613
1020 Renens 1
Suisse (Switzerland)
شماره حساب بانکی:
UBS (United Bank of Switzerland)
A/C No: 243-GO526064.2
شماره حساب پیسوی:
10-23739-5

به یاد بود از شهید مجید و میراث مبارزاتی اش :

ساما - ادامه دهندگان

باز هم سالی گذشت و هژدهم جوزا فرا رسید. سالگردی که از به خون خفتن قهرمانانه شخصیتی چون مجید کلکانی منطق و توجیه کسب نموده ؛ شخصیتی که به حق اورا وجدان بیدار ملت ما در برابر زورگویی و قلداری می نامند. در هژدهم جوزای ۱۳۵۹ مزدوران خود فروخته و بی آرم سوسیال امپریالیزم و بداران شان دست به جنایت هولناکی زدند که فقط از میان بردن فرد نه بلکه محروم ساختن یک ملت از وجود یک فرزند آگاه و انقلابی پیشتاز آنها بود. خصایص نیک عدیده در امتزاج با گهر شخصیت والا، در متن یک ضمیر پاکیزه در طول چند دهه باید ، تا به سان می ناب ، چنان سرباز بیباک و نترس به توده های محروم جامعه ما به ارمغان آورد.

ولی همان گونه که مجید قهرمان در سنگرداغ مقاومت مسلحانه ضد سوسیال امپریالیزم و ایادی بی مقدار آن تنها نبود و رادمردانی هم سرشت و هم سرنوشت ، باوی سنگر های مقاومت مردمی را به ضد دشمن متجاوز و سفاک و نوکران میهن فروش "خلقی"- پرچمی آن پررنگبار نگه داشتند ، به همان شیوه در راه دفاع از مردم و آرمان آزادی ، اورا در درخمه ها و شکنجه گاهها و اعدام گاه همراه و هم گام بوده اند. و درست این نکته است که جوهر تجلیل از روز شهداء از آن آب می خورد: یادبود از مجید و دیگر روشنفکران آگاه و خودگذری که سر تسلیم به دشمن خم ننموده و با خون پاک خود ، راه نجات نسل های در بند را فقط در مقاومت ، پایداری و ایثار ترسیم نمودند.

تجربه مبارزاتی بیشتر از سه دهه و آزمون بزرگ تاریخ در غباردود و آتش و جویبار خون ، به ما آموخت که برای دشمن سوسیال امپریالیست دیروز و امپریالیست امروز ، آنچه اولین و مهمترین اهمیت را دارد ، همانا محروم ساختن جامعه تحت ستم - مثال زنده آن ملت مظلوم ماست - از وجود روشنفکران آگاه ، رسالتمند و انقلابی شان می باشد. و درست در نبود چنان فرزندان صدیق و متعهد مردم است که دشمن و مزدوران خود فروخته و عوام فریب آنها قادر خواهند بود توده ها را با هزار و یک چال و فریب ، از یک بیراهه به بیراهه دیگر در اندازند. هیچ وجدان بیداری انکار نخواهد کرد که اگر قهرمانانی از تبار مجید به واسطه دشمنان جبون از پا در نمی آمدند ، سر نوشت این ملت از نوع دیگری می بود که در آن نه تنها غرور ملی ما مصون می ماند بلکه مقاومت بزرگ میهنی ما هم سیر تکاملی خود را برای تأمین دوباره حاکمیت ملی و رهنوردی در جاده ترقی و پیشرفت ، به آن گونه که حاصل خون صد ها هزار هموطن مبارز ما حکم می کند ، دوام می داد.

اما آنهمه شگوفه های بهار مقاومت در طوفان سهمگین ناشی از خیانت و جنایت پر پر شد و دشمن توانست با نابود ساختن گل های سرسبز جامعه ما - از هر شکل سیاسی که بودند ولی ضد سوسیال امپریالیسم ، ضد امپریالیسم و ضد ارتجاع بودند - مقاومت آزادی بخش ملی ما را از مسیر اصلی آن منحرف ساخته و با زد و بند هایی که از سالها قبل با ارتجاع مذهبی برقرار نموده بود ، مردم ایثارگرو تشنه آزادی را در دریائی از اختناق ، بر بادی و برادر کشی غرق سازد. در حقیقت ، دشمن پیش از آنکه به جان مردم افتد ، اولاً فرزندان آنها را از آنها دور می سازد. دور ساختن نوکران زرخیز که مدت ها قبل و داوطلبانه به اردوگاه دشمن پیوسته و اجیر گشته اند ، در اینجا منظور نبوده و نمی تواند به عنوان ضایعه تلقی گردد زیرا موجودیت آنها در ظاهر و احیاناً در سمت مردم (یعنی صرفاً افغان بودن) ، از آنجائی که مبنی بر خیانت به مردم است ، فقط مترادف با تقابل آنها با مردم می تواند باشد و بس.

نمونه کاملاً رسوا و انکار ناپذیر آن ، مزدوران به ظاهر "افغان" روس ها ("خلق" ها و پرچمی ها) بودند. امروز هم همان باند و ظن فروش ، خائن و جنایت پیشه ، قلاده بادار امپریالیست دیگر را داوطلبانه و به امید فرار از محاکمه مردمی ، با خفت و ننگ تاریخی به گردن آویخته است ؛ ولی اینها تنها نیستند. همان طوری که سوسیال امپریالیسم برای تجاوز به کشور ما ، به زنجیر کشیدن خلق قهرمان ما و خیال چپاول داشته ها و ثروت های طبیعی کشور ما ، عناصر خود فروخته ، بی شخصیت و مزدور منش را اجیر نموده و با ترویج فن جاسوسی تا مسند رئیس جمهور و وزیر و غیره رساند ؛ و زمانی هم که توطئه های "سوسیالیستی" اش کاملاً رسوا شده رنگ باخت ، به نیرو های ذخیره که با شمائل "ملی" و اسلامی آراسته شده بودند ، متوسل شد ؛ به همانگونه امپریالیسم امریکا و امپریالیست های اشغالگر و متحد آن هم بر عناصر خود فروخته ، اجیر و نوکران خانه زاد خود تکیه داشته ، با نیرنگ "دموکراسی" ، "ترقی" ، "باز سازی" ، "کمک بشری" و امثالهم می خواهند خلق تشنه لب ما را به امید آب ، به طرف سراب بکشانند.

برای رسیدن به آن هدف نامیمون ، امپریالیسم به عناصر خود فروخته ، بی شخصیت و ضد ملی اشد ضرورت دارد تا به وسیله آن ها با تظاهر به ملی بودن ، منافع استعماری را با خیال راحت تأمین نموده و تداوم آن را در درازمدت ، به سان زانو ، تضمین نماید. نمونه متبازل آن گونه عناصر خود فروخته ، بی شخصیت و ضد ملی ، حامد «کرزی» است که به سان عروسک بی جان ، به دست امپریالیسم امریکا ساخته شده و مطابق منافع آن ، تار هایش به حرکت آورده می شود. انسان ستم دیده و جست و جوگر سرزمین ما کفایت به این نکته عمیق شود که آیا منافع ملی و منافع استعماری می توانند همسان باشند؟ تا به کُنه استعمار و سرشت واقعی مزدوران حلقه به گوش آن پی برده و فریب اجیران "روشنفکر" و "مترقی" بیگانگان را نخورد.

آنچه برای ملت ما و آینده فرزندان آن می تواند وحشتناک تر از مرگ باشد ، همانا در غلتیدن مداوم در دام های گسترده توسط ایادی "روشنفکر" و متظاهر به "خدمتگرمردم" خواهد بود. امروز چهل و چند کشور متجاوز به افغانستان ، هر کدام فعالیت های جاسوسی و استخباراتی خویش را - در رقابت با یکدیگر - به پیش برده و هر کدام جواسیس بومی و افغان نمای خود را دارند که اکثراً به سان "گوساله های دوماهره" ، هم به نام های مختلف از کیسه بیت المال افغانستان به جیب می زنند و هم مزدهای گزاف (همان طوری که سی. آی. ای. مانند اعلانات تجارتي در تلویزیون های "افغانی" سر باز گیری می کند) ، از ولینعمتان خود هم پول به دست می آورند. این ها اند که در پهلوئی مخلوقات دیگر امپریالیست ها ("تحریک طالبان" و حزب اسلامی گلبدین و امثالهم) ، به عنوان جاده صاف کن اشغالگران و متجاوزان به خاک آبائی ما عمل نموده و در شطرنج منافع استعماری ، مهره های بیجانی بیش نیستند.

از اینجاست که همسوئی نیروهای ملی و مترقی ضد اشغال ، در برهه زمانی حاضر ، اهمیت خاصی کسب می نماید. شرایطی که امروز در افغانستان حاکم است ، در تاریخ دنیا و در تاریخ استعماری بیسابقه است. هیچ کشوری در هیچ موقعی توسط چهل و چند کشور همزمان اشغال نشده بود ، مردم هیچ کشوری در هیچ زمانی در زیر چکمه های چهل و چند کشور "متمدن" با ادعاهای دروغین "ترقی و تمدن" خرد و خمیر نشده بود ، و سرانجام هیچ گاهی کودکان و نوباوگان ، زنان و مردان هیچ ملتی در هیچ موقعیتی با اینچنین بی رحمی و بی تفاوتی عمومی جهانیان و معافیت کامل جانیان ، به سان گنجشک شکار نشده بودند. پس بر وجدان های بیدار و رسالتمند جامعه ماست تا دیر نشده ، با کنار زدن اختلافات تصنعی و مزمن ، باب تفاهم و درک متقابل را باز نموده ، با حوصله مندی ، از خودگذری و ارجحیت دادن منافع ملی و آرمان آزادی که مبارزه به ضد اشغالگران و ایادی بی آزر امپریالیزم کلید آن است ، دست کمک و همکاری به همدگر دراز نموده و نگذارند بیشتر از این ، مردم مظلوم و بی دفاع ما ، توسط وحشیان متمدن نما تحقیر و سلاخی گردند.

نشریه «آذرخش» از بدو نشرات آن در هفده سال قبل از امروز ، با برگزیدن و تبلیغ خط مشی مستقل ملی و انقلابی مقاومت افغانستان که افتخار طرح آن به شهید مجید برمی گردد ، همواره کوشیده است تا در نشرات خود ، چه در چوکات ماهنامه آن زمان و چه در چوکات گاهنامه فعلی ، به آرمان های ملی و انقلابی و قدارمانده ، در حد توان ممثل و منعکس کننده آن باشد. بدیهی است که همسانی آرمان و اهداف ، گردانندگان این نشریه را با سازمان بنیان گذاشته شده توسط مجید و یارانش: سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" ، به طور کاملاً طبیعی در تفاهم و همسوئی قرار می داد. پس بیجا نبوده اگر در جریان سالها ما از "ساما" به نیکی یاد نموده ، به نشر اعلامیه های آن سازمان و مطالب مربوط به آن پرداخته ایم. ولی از آنجائی که تحولات یک سال و اند و مؤثرات آن در اذهان ، و اکنش های مثبت و منفی فراوان به بار آورده است ، ما وظیفه اخلاقی خود می دانیم تا در اینچنین موقعیت ، سکوت ننموده و در ارتباط با حقانیت مبارزه سازمان پرافتخار "ساما" و تاریخچه پرتلاطم مبارزاتی آن ، موضع خود را مشخص سازیم.

از آنجائی که مبارزه بر اساس مشی اصولی متکی بر اندیشه پیشرو عصر ، محک بوده و هرگونه تغافل از آن ، به بیراهه خیانت ، تسلیم طلبی ملی و طبقاتی ، و ظنفروشی ، خیانت در حق مردم و جنایات هولناک در سایه امپریالیزم و با همدستی ارتجاع می انجامد ، ما آن حقانیت مشی مبارزه اصولی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان را که میراث مجید و یاران شهیدش بوده و متکی بر اندیشه پیشرو عصر است ، در "ساما" ادامه دهندگان تشخیص نموده و آن شکل را مرجع معتبر و سالم رهبری و پیشبرد مبارزه به ضد اشغالگران و نوکران گوناگون آنها می شناسیم. در نتیجه ما مرکزیت سابق "ساما" را که در نتیجه پیش گرفتن سیاست انقیاد طلبی و پیوستن به اشغالگران ، از اعتبار ساقط شده و

کماکان درگودال خیانت به سازمان "ساما" و مردم افغانستان فرومی رود ، بعد از احیای سازمان (ساما - ادامه دهندگان) ، مرکزیت فاسد و مطرود شناخته و تحرکات و فعالیت های جبونانه و کاسبکارانه آن را جزء مانورهای اشغالگران برای تحمیق مردم و دوام سلطه آن ها می دانیم. ما در ضمن خط فاصل روشن با سنتریست ها کشیده ایم. سنتریست ها با تکیه بر لیبرالیزم ولی اشاره به طرف "چپ" ، از سال ها به اینسو فعالیت های مبارزاتی "ساما" را به بن بست کشیده اند و خیلی مائل بوده اند تا با حفظ موقف بین البین ، "هم شهید باشند ، هم غازی وهم صحیح وسلامت". احیای "ساما" و از سرگیری مبارزه خط اصولی سازمان ، محاسبه سنتریست ها را کاملاً به هم زده و با واکنش شدید برساما - ادامه دهندگان تاخته ، همسویی خود را با مرکزیت مطرود اعلام نموده و به آن وفادار مانده اند. از اینروست که ما نمی توانیم سنتریست ها را به عنوان عناصر سالم وفادار به تاریخچه مبارزاتی "ساما" قبول نمائیم. امید آنده از مبارزان سامائی که از روی ملحوظات شخصی ، درگرومناسبات تحمیلی با مرکزیت انقیاد طلب و مطرود باقی مانده اند ، به خود آمده تا دیر نشده به کاروان راه افتاده خط اصولی مبارزه ملی - انقلابی پیوسته ، خلق افغانستان را که بیرحمانه طعمه آسان استعمار و ارتجاع شده اند ، بیش از این تنها نگذارند ؛ و دین سترگ تاریخی خود را به این نحو ادا نمایند.

جاودان باد خاطره درخشان شهید مجید و یارانش!

مرک بر اشغالگران و نوکران شرفباخته بومی آنها!

پیروز باد مبارزه خلق ما به ضد استعمار و ارتجاع!

زنده باد آزادی ، مرگ بر سارت!

هیأت تحریر «آذرخش»

۱۸ جوزای ۱۳۹۱ مطابق ۰۸ جون ۲۰۱۲